

بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۹/۱۵

آرزو قرنجیک^۱

منصور گرکز^۲

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس می‌باشد. مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مورد استفاده در این تحقیق، درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی می‌باشد و برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی از سه متغیر نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات استفاده گردید. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۸۷ لغایت ۹۱ بوده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از الگوی رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری وجود دارد اما بین دوگانگی وظایف مدیر عامل با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری مشاهده نگردید. همچنین نتایج این تحقیق وجود رابطه معنادار بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت را مورد تأیید قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی: حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات

۱- کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول

۲- دکترای حسابداری و عضو هیات علمی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علی آباد کتول، نویسنده مسئول
Email: m_garkaz@yahoo.com

□ مقدمه

یکی از موارد مهم برای منابع درآمدی آینده، مالیات است. مالیات علاوه بر تأمین مالی مورد نیاز دولت، نقدینگی را نیز کنترل کرده و ضمن توزیع بهتر درآمد و ثروت کشور، آن‌ها را در محل‌های مناسب خرج می‌کند. اجتناب مالیاتی و فرار از پرداخت مالیات در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی از آنچه برآورد شده است کمتر باشد. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است (هانلون^۳ و همکاران، ۲۰۱۰). فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلاقیت‌های قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است، بنابراین از آنجایی که اجتناب مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است، از این رو به نظر می‌رسد بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدود کننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (محمد جم، ۱۳۷۹)، بنابراین، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکتها درگیر اجتناب مالیاتی باشند. در این پژوهش سعی شده است قواعد حاکمیت شرکتی که در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکتها تاثیرگذار است شناسایی و به صورت تبیینی پاسخ علمی برای این پرسش اساسی پیدا کند: آیا رابطه معنی داری بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکتها وجود دارد؟

□ مبانی نظری تحقیق

در دهه‌های اخیر، حاکمیت شرکتی یکی از جنبه‌های اساسی تجارت شده و توجه به آن روز به روز در حال افزایش است. تعریف موجود از حاکمیت شرکتی در طیفی گسترده قرار می‌گیرند. رویکردهای محدود که به رابطه بین شرکت و سهامداران محدود می‌شود در یک سو و رویکردهای گسترده که توجه جدی به حقوق همه ذی نفعان دارد در سوی دیگر طیف قرار می‌گیرند. تعاریف گسترده‌تر نشان می‌دهد که شرکتها در برابر کل جامعه، نسل‌های آینده و منابع طبیعی (محیط زیست) مسئولیت دارند. رویکردهای محدود در قالب تئوری نمایندگی و رویکردهای گسترده در قالب تئوری ذی نفعان بیان می‌شود. در رویکرد محدود حاکمیت شرکتی، دولت به عنوان یکی از ذی نفعان اصلی به ایفای نقش می‌پردازد؛ بدین ترتیب نتایج عملیات شرکتها به سود منتهی شود، قبل از هر تصمیمی در رابطه با این سود، سهم دولت از این سود محاسبه و کنار گذاشته می‌شود و مهم‌ترین سهم دولت نیز از این سود، مالیات است. در این دیدگاه حتی اگر شرکت خود را ملزم به گسترش سطح مسئولیت پاسخگویی برای رعایت حقوق دیگر ذی نفعان نداند، بالاچار به دلیل الزامات قانونی، مجبور به رعایت حقوق دولت دایر بر محاسبه و پرداخت مالیات است (باباجانی و عابدی، ۱۳۸۹). در دیدگاه محدود حاکمیت شرکتی، به دلیل نبود شفافیت و عدم سازوکارهای حاکمیت شرکتی به صورت مطلوب، منافع تهیه کنندگان اطلاعات در تضاد است (حتی با منافع

دولت که یکی از ذی نفعان اصلی در دیدگاه محدود محسوب می‌شود). در این دیدگاه، شرکت‌ها خود را به اندازه‌ای پاسخگو می‌دانند که از جرائم و تنبیهات قانونی در امان باشند. در سوی دیگر طیف تعاریف موجود از حاکمیت شرکتی در قالب شبکه‌ای از روابط میان شرکت و تعداد زیادی از ذی نفعان بیان می‌شود. سطح مسولیت پاسخگویی شرکت در این دیدگاه گسترش یافته، حوزه وسیع‌تری از سهامداران و دیگر ذی نفعان را در بر می‌گیرد. در این رویکرد است که شفافیت، عدالت (انصاف) و رعایت حقوق ذی نفعان مطرح شده، مسولیت پاسخگویی به عنوان جوهره وجودی حاکمیت شرکتی معرفی می‌شود.

بحث اجتناب مالیاتی به نظر می‌رسد در مورد شرکت‌های با جدایی مالکیت بیشتر مطرح باشد، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه اجتماعی کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند (الینگهام و سندمو^۴، ۱۹۷۲). در شرکت‌ها سهامداران به طور معمول، انتظار دارند که مدیران بدنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهیهای احتمالی بیشتر از هزینه اضافی مورد انتظار برای آنها باشد، بدنبال کاهش بدهیهای مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند (خانی و همکاران، ۹۲). بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسئله نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. لذا یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیات مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک کلینی^۵، ۱۹۷۶). مدیرانی که بدنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. وجود ماموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوء استفاده از منابع داخلی شرکت‌ها شده و حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود (دسای^۶ و همکاران، ۲۰۰۷). اجتناب مالیاتی، منافع نهایی سپر مالیاتی بهره را کاهش می‌دهد و ممکن است روی تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه تاثیرگذار باشد (گراهام^۷، ۲۰۰۶).

ساتوری^۸ (۲۰۰۸) بیان می‌کند که واکنش‌های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل بوده، در حقیقت از یکسو قواعد حاکمیت شرکتی تاثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آنها به استراتژی مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد. لانیس و ریچاردسون^۹ (۲۰۱۱) به این نتیجه رسیدند که تعداد اعضای غیر موظف هیات مدیره

4- Allingham and sandmo(1972)

5- Jensen and Mackliny(1976)

6- Desai(2007)

7- Graham(2006)

8- Satori(2008)

9- Lanis and richardson (2011)

رابطه‌ای منفی و معنادار با رویه متهورانه دارد. به عبارت دیگر، هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره بیشتر باشد شرکت کمتر به مدیریت مالیات روی می‌آورد. فریز و همکاران (۲۰۰۶)^{۱۰} معتقدند قانون مالیات می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها با ارائه امتیازات یا تحمیل مجازات تحت تأثیر قرار دهد. ساختار اصول راهبری شرکت‌ها تحت تأثیر این که شرکت چگونه مالیات را مدیریت می‌کند، قرار می‌گیرد. همچنین، سامانه مالیاتی می‌تواند اصول راهبری شرکت‌ها را در دوره پرداخت سود سهام تحت تأثیر قرار دهد. دسای، دایک و زینگالس^{۱۱} (۲۰۰۷) بیان نمودند که نرخهای مالیاتی بالا، باعث بدتر شدن سامانه‌های اصول راهبری شرکت‌ها می‌شود و برعکس نرخهای پایین مالیاتی باعث بهبود سامانه‌های اصول راهبری شرکت‌ها شده و افزایش درآمدهای مالیاتی را در پی خواهد داشت. هانلون و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند به رغم تفکیک مدیریت از مالکیت، پدیده اجتناب مالیاتی می‌تواند ارزشمند باشد و اگر مالکان بتوانند زمینه‌های انگیزشی لازم را در مدیران ایجاد کنند تا آنها با برنامه ریزی صحیح مالیاتی، تصمیمات اثر بخش مالیاتی اتخاذ کنند، ارزش شرکت افزایش و در نتیجه ثروت سهامداران افزایش خواهد یافت. در چنین شرایطی، سیستم حاکمیت شرکتی مطلوب از منظر دولت به رویکردی اطلاق می‌شود که حقوق دولت نیز به عنوان یکی از گروه‌های ذی نفع رعایت گردیده و سهم وی از سود شرکت به صورت دقیق و روشن مشخص شود. لازمه این امر آن است که سهامداران نهادی نظارت کافی بر عملکرد شرکت داشته و فعالیت گرا باشند و هیات مدیره شرکت‌ها نیز توجه به حقوق تمامی ذی نفعان را در اولویت و دستور کار خود قرار دهد، در این میان، مالیات به عنوان بارزترین حقوق دولت از اهمیت بسزایی برخوردار است.

پیشینه تحقیق □

عبدالله خانی و کریم ایمانی و مهناز ملایی (۱۳۹۲) با مطالعه‌ای با عنوان بررسی رابطه بین تخصص حسابرسان در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس برای دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷ جستجو نمودند. در این تحقیق، تخصص حسابرسان در صنعت به سه دسته، شامل تخصص مالیاتی، تخصص حسابرسی صورتهای مالی و کلی (ترکیب تخصص مالیاتی و حسابرسی صورتهای مالی) تقسیم شده و برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی از سه متغیر نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر نقدی مالیات و تفاوت درآمد قبل از مالیات و درآمد مالیاتی (تفاوت مالیاتی) استفاده شده است. نتایج بیانگر آن است که بین تخصص حسابرسان در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت ارتباط معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که حسابرسان آنها متخصص صنعت باشد دارای نرخ مؤثر مالیات کمتر، نرخ مؤثر مالیات نقدی کمتر و تفاوت دفتری مالیات بیشتری نسبت به شرکت‌هایی که حسابرسان آنها تخصص صنعت نیست. این امر نشان دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی شرکت‌هاست. امید پورحیدری و سعیده برهانی نژاد (۱۳۹۱) تحقیقی تحت عنوان تأثیر خصوصیات اصول

10- Friese et al (2006)

11- Desaia et al (2007)

راهبری شرکتها بر مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ بررسی نمودند. خصوصیات اصول راهبری شرکت‌های مورد استفاده در این تحقیق اندازه هیات مدیره، ترکیب هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل و اندازه حسابرس بوده و برای سنجش مدیریت مالیات از نرخ مؤثر مالیاتی و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از رگرسیون چند متغیره استفاده نمودند. نتایج تحقیق بیانگر ارتباط مثبت و معنادار بین نرخ مؤثر مالیاتی و دوگانگی وظایف مدیر عامل می‌باشد و بین ترکیب هیات مدیره و اندازه حسابرس با مدیریت مالیات ارتباط منفی و معناداری وجود دارد و اندازه هیات مدیره تأثیری بر مدیریت مالیات ندارد.

یحیی حسابس یگانه و مجتبی گل محمدی شورکی (۱۳۹۰) در تحقیق خود به نام رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی‌های شرکت، ضمن سنجش نرخ مؤثر مالیات به بررسی رابطه آن با صنعت مربوطه، اندازه شرکت، سودآوری، اهرم مالی، شدت سرمایه گذاری و ساختار مالکیت به عنوان ویژگی‌های شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ پرداختند و نشان دادند که میانگین نرخ مؤثر مالیاتی با در نظر گرفتن تمام شرکت‌های تحقیق، به نرخ قانونی مالیات بر درآمد نزدیک است و با در نظر گرفتن صنعتی که شرکت در آن فعالیت می‌کند هر صنعت تقریباً دارای نرخ مؤثر مالیاتی مخصوص به خود است و بین نرخ مؤثر مالیات با اندازه شرکت و سودآوری رابطه منفی و معناداری وجود دارد و با اهرم مالی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. در ضمن بین نرخ مؤثر مالیات و شدت سرمایه گذاری رابطه معناداری وجود ندارد.

جعفر باباجانی و مجید عبدی (۱۳۹۰) در تحقیقی تحت عنوان بررسی رابطه بین اصول راهبری شرکتها و سود مشمول مالیات شرکتها پرداختند. معیارهای مهم اصول راهبری شرکتها شامل درصد اعضای غیر موظف در ترکیب هیات مدیره، نقش ترکیبی مدیرعامل و سهامداران نهادی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی بوده است. فرضیه‌های تحقیق با استفاده از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه، آزمون t برای یک میانگین و تحلیل رگرسیون آزمون شده است. نتایج تحقیق، بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که معیار حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکت‌هایی که معیار حاکمیت شرکتی را دارا نیستند، بوده است. این در حالی است که در هر دو گروه شرکتها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بوده است.

مک گوایر^{۱۲} و دیگران (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان آیا کارشناسان صنعت باعث تفاوت در اجتناب مالیاتی می‌شوند؟ به بررسی رابطه تخصص مالیاتی حسابرسان و سطح اجتناب مالیاتی شرکتها پرداختند. نتایج پژوهش آنها بیانگر آن بود، زمانی که مؤسسات حسابرسی یک متخصص مالیاتی باشند مشتریان آنها که خدمات مالیاتی را از این مؤسسات دریافت می‌کنند بیشتر درگیر اجتناب مالیاتی هستند. از سوی دیگر، نتایج حاکی از آن بود شرکت‌هایی که مؤسسات حسابرسی آنها متخصص کلی صنعت هستند دارای سطح اجتناب مالیاتی بالاتری نسبت به سایر شرکتها هستند. به عبارت دیگر متخصصان کلی با ترکیب مالیاتی و مالی خود جهت بهبود و توسعه استراتژیهای مالیاتی

به نفع مشتریان خود از هر دو دیدگاه صورتهای مالی و مالیاتی کمک می‌کنند. یونگ چی^{۱۳} (۲۰۱۲) در تحلیل اقتصادی شرکتهای پذیرفته شده در هنگ کنگ، به این نتیجه رسید که حاکمیت شرکتی با مالیات دارای رابطه می‌باشد و تعداد سهام نگهداری شده بوسیله مدیران، استقلال هیات مدیره و قدرت سهامداران، ارتباط معناداری با نرخ مؤثر مالیاتی دارد. ضرورت مطالعه و تحلیل تصمیمات شرکت از جنبه مالیاتی شامل مشخص کردن استراتژی شرکت در روش‌های مالیاتی است. این تصمیمات بوسیله مدیران شرکت اتخاذ شده اما دارای اثر چشمگیری بر ارزش و نرخ بازده سرمایه گذاری می‌باشد.

مینیک و نوگا (۲۰۱۰)^{۱۴} در تحقیقی با عنوان آیا عوامل حاکمیت شرکتی بر مدیریت مالیات تاثیرگذار است؟ به بررسی اثرات ویژگیهای اصول راهبری شرکتهای بر مدیریت مالیات پرداخته است. آن‌ها بیان نمودند که طرح‌های پاداش بعنوان محرکی برای مدیریت جهت سرمایه گذاری در طرح‌های بلندمدت و مالیات کامل عمل می‌کند و مدیریت مالیات سهامداران را مرتفع می‌سازد و بطور مثبت با افزایش عایدی سهامداران در ارتباط است.

دایرنگ و همکاران^{۱۵} (۲۰۰۸) طی تحقیقی اجتناب مالیاتی (نه فرار مالیاتی) شرکت‌ها را در بلند مدت سنجیدند. آن‌ها در تحقیق خود، اجتناب مالیاتی را توانایی شرکت برای پرداخت مالیات کمتر در بلند مدت عنوان کردند و این اندازه گیری را نرخ مؤثر مالیاتی نامیدند و به جای استفاده از مالیات محاسبه شده طبق اصول پذیرفته شده حسابداری که در صورت سود و زیان شرکتهای منعکس می‌شود، مالیات پرداخت شده ظرف ۱۰ سال را بر سود قبل از مالیات منعکس شده در صورت سود و زیان تقسیم کرده و از آن در تحقیق خود استفاده کردند. دایرنگ و همکارانش فرضیه خاصی را در مورد تمایل شرکتهای به اجتناب مالیاتی آزمون نکردند. نتایج اولیه تحقیق آنها نشان می‌دهد که در طول سالهای ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ میانگین (میانسه) نرخ مؤثر مالیاتی، ۲۹/۶ درصد (۲۸/۳ درصد) می‌باشد. همچنین ۵۴۶ شرکت از مجموع ۲۰۷۷ شرکت انتخابی (در حدود ۲۶/۳ درصد) دارای نرخ مؤثر مالیاتی مساوی و کمتر از ۲۰ درصد در دوره زمانی تحقیق می‌باشند. آن‌ها در تحقیق خود نرخ مؤثر مالیات یک ساله، نرخ مؤثر مالیات پنج ساله و نرخ مؤثر مالیات ده ساله را محاسبه و بر اساس نمودار هیستوگرام رسم شده در مورد این سه نرخ، مشاهده شد هر چه سالهای مورد محاسبه افزایش پیدا کند نمودار متقارن و نرمالی به دست می‌آید. آن‌ها در تحقیق خود شرکتهای را به سه گروه کم مالیات (دارای نرخ مؤثر مالیاتی کمتر از ۲۰ درصد)، پرمالیات (دارای نرخ مؤثر مالیاتی بیش از ۴۰ درصد) و شرکتهای دارای نرخ مؤثر مالیات متوسط (دارای نرخ مؤثر مالیاتی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد) طبقه بندی نموده‌اند. در وهله دوم پایداری و قابلیت اتکای نرخ‌های مؤثر مالیاتی یک ساله را به عنوان معیاری برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی در بلند مدت سنجیدند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که نرخ‌های سالانه مقداری پایداری را در طول زمان نشان می‌دهند ولی این پایداری نامتقارن است.

13- Yeung Chi Kwan Timothy. (2012)

14- Minnick and Noga (2010)

15- Dyreng et al(2008)

همچنین نرخ‌های مؤثر مالیاتی سالانه پایین‌تر نسبت به نرخ‌های مؤثر مالیاتی سالانه بالاتر دارای ثبات و پایداری بیشتری هستند. همچنین آنها رابطه بین نرخ‌های مؤثر مالیاتی را با صنایع مختلف سنجیدند. نتایج نشان داد که شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیاتی کم‌تر از ۲۰ درصد یک کمی بزرگتر، نسبت سود به قیمت پایین‌تر و بازده دارایی‌های کمتری نسبت به شرکت‌های دارای نرخ مؤثر مالیاتی بین ۲۰ درصد تا ۴۰ درصد دارا می‌باشند. همچنین اجتناب کنندگان مالیاتی دارای اهرم مالی بیشتر و مخارج تحقیق و توسعه بیش‌تر می‌باشند.

تائو زنگ^{۱۶} (۲۰۱۰) طی تحقیقی تحت عنوان رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و برخی از ویژگی‌های شرکت را در کشور چین و در نمونه‌ای متشکل از ۵۵۴ شرکت عضو بورس اوراق بهادار آن کشور بررسی کرده است. بر اساس نتایج تحقیق وی، رابطه معنی داری بین شرکت‌ها و صنعت مربوطه وجود دارد. آن‌ها همچنین میانگین نرخ مؤثر مالیاتی را در هر منطقه جغرافیایی سنجیده‌اند و نشان دادند نرخ مؤثر مالیاتی در مناطق غربی کشور چین به مراتب کمتر است و این تا حدودی نشان دهنده سیاست‌های اقتصادی دولت چین می‌باشد که سعی نموده است با برقراری مشوق‌ها و مزیت مالیاتی برای صنایعی که در غرب این کشور واقع شده‌اند باعث رونق اقتصادی در این منطقه از کشورش شود. در ادامه تائو زنگ رابطه بین برخی از ویژگی‌های شرکت نمونه را با نرخ مؤثر مالیاتی سنجیده است و نشان داد رابطه معنی دار و منفی بین نرخ مؤثر مالیاتی و اندازه شرکت وجود دارد. وی برای سنجش سایر ویژگی‌های شرکت در این تحقیق از قبیل اهرم مالی، سودآوری و شدت سرمایه‌گذاری، شرکت‌های نمونه را به شرکت‌های کم مالیات، پر مالیات و شرکت‌های با نرخ مؤثر مالیات متوسط طبقه بندی کرده است. بررسی اولیه نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌های کم مالیات و پر مالیات وجود دارد. تحقیق تائو زنگ نشان داد که رابطه منفی و معنی دار بین نرخ مؤثر مالیاتی با اندازه شرکت، سودآوری و شدت سرمایه‌گذاری وجود دارد و از طرفی رابطه مثبت و معناداری بین نرخ مؤثر مالیاتی با اهرم مالی وجود دارد.

□ فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق:

بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی تحقیق:

- ۱- بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ مؤثر مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.
- ۲- بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و نرخ مؤثر مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق

بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۳- بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نرخ موثر مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۴- بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۵- بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۶- بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۷- بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و تفاوت دفتری مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۸- بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و تفاوت دفتری مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

۹- بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و تفاوت دفتری مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

طرح این پژوهش از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی است. این پژوهش از نظر روش پژوهش در زمره پژوهش‌های توصیفی و از نظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی جای می‌گیرد. داده‌های این پژوهش مبتنی بر ارقام و اطلاعات صورت‌های مالی شرکتها است که از طریق مراجعه به صورت‌های مالی و پایگاه اطلاعاتی سازمان بورس اوراق بهادار گرد آوری می‌شوند. به منظور تجزیه تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده و داده‌ها پس از جمع آوری در صفحه گسترده Excel مرتب و طبقه بندی می‌شوند و با نرم افزار Ewies مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی پژوهش حاضر، بین سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ می‌باشد. برای نمونه گیری از روش حذفی سیستماتیک استفاده شده است و شرکت‌هایی که دارای کلیه شرایط زیر بودند به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

- بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ ها) جزء نمونه نمی‌باشند چون ماهیت و کار آنها متفاوت است.

- شرکت طی دوره قلمرو زمانی تغییر سال مالی یا فعالیت یا توقف فعالیت نداشته باشد.

- پایان سال مالی شرکتها ۲۹ اسفند ماه باشد.

- اطلاعات مالی موردنیاز در رابطه با این گونه شرکتها در دسترس باشد.

- مشاهدات سال شرکت که دارای درآمد قبل از مالیات منفی یا صفر نباشند.

با توجه به شرایط فوق، تعداد ۱۰۱ شرکت به عنوان نمونه آماری این پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند.

□ متغیرهای تحقیق

عناصر حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر مستقل در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارتند از: درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیرعامل و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی در شرکت.

درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی در شرکت (Inown): به اشخاص حقیقی یا حقوقی اطلاق می‌شود که تعداد قابل ملاحظه‌ای از سهام عادی شرکت را در اختیار داشته باشند. مؤسسات سرمایه گذاری، نهادهای عمومی غیر دولتی و سایر شرکتهای تجاری از جمله سهامداران نهادی محسوب می‌شوند. درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی در شرکت درصد کل سهام تملک شده بوسیله سهامداران نهادی به کل سهام سرمایه محاسبه می‌شود.

درصد اعضای غیر موظف هیات مدیره (Indept): منظور از اعضای غیر موظف، آن دسته از اعضای هیات مدیره‌ای هستند که به طور تمام وقت در شرکت حضور ندارند و به عبارتی کارمند شرکت و شاغل در شرکت نیستند و مسئولیت اجرایی رسمی ندارند. در این حالت انتظار می‌رود که استقلال بیشتری داشته و بر عملکرد شرکت نظارت بیشتری داشته باشند و موجب بهبود کارائی عملکرد شرکت‌ها می‌شوند و برابر است با تعداد اعضای غیر موظف هیات مدیره تقسیم بر تعداد کل اعضای هیات مدیره.

دوگانگی وظایف مدیرعامل (Dceo): به حالتی اطلاق می‌شود که سمت مدیر عامل و رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره شرکت، در فرد واحدی جمع باشد. اگر مدیرعامل یک کرسی در هیات مدیره نداشت برابر است با یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر داده می‌شود. متغیر وابسته در این تحقیق اجتناب مالیاتی TAX AVOIDit شرکت‌هاست. بدین منظور از سه مقیاس جایگزین زیر برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی با توجه به پیشینه پژوهش استفاده می‌شود. ETRit: نرخ مؤثر مالیات؛ از تقسیم هزینه مالیات شرکت t در سال t بر درآمد قبل از مالیات شرکت t در سال t بدست می‌آید.

CashETRit: نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی؛ نسبت مالیات نقدی پرداختی (تأدیه شده) شرکت t در سال t به درآمد قبل از مالیات شرکت t در سال t

BTDit: تفاوت دفتری مالیات؛ تفاوت درآمد قبل از مالیات شرکت t در سال t و درآمد مالیاتی، تقسیم بر کل داراییهای شرکت t ابتدای دوره t بدست می‌آید. درآمد مالیاتی نیز از تقسیم هزینه مالیات قطعی بر نرخ مالیات به دست می‌آید.

کاهش میزان نرخ مؤثر مالیات، نشان دهنده سطح بالای اجتناب از مالیات است (گوپتا و

نیوبری^{۱۷}، ۱۹۹۷ و وریگ^{۱۸}، ۲۰۰۳). کاهش میزان نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی نشان دهنده سطح بالای اجتناب از مالیات است (دایرنگ و همکاران، ۲۰۰۸). افزایش مقدار تفاوت درآمد قبل از مالیات و درآمد مشمول مالیات نشان دهنده سطح بالای اجتناب از مالیات است (میلز ۱۹۹۸ و ویلسون^{۱۹}، ۲۰۰۳).

متغیرهای کنترل شامل اهرم مالی، اندازه و سود آوری شرکت است که بطرق زیر محاسبه می‌شود: اهرم مالی (LEV it) (: مجموع بدهیهای شرکت به کل دارایی حاصل می‌شود. اندازه شرکت (it SIZE): از طریق لگاریتم طبیعی کل دارایی به دست می‌آید. سود آوری شرکت (ROA it) (: درآمد قبل از مالیات به کل دارایی حاصل می‌شود.

□ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. مدل رگرسیون مورد استفاده در زیر آورده شده است:

$$TAXAVOIDit = \beta_0 + (\beta_1 * Indep\ it) + (\beta_2 * Dceo\ it) + (\beta_3 * Inownit) + (\beta_4 * Sizeit) + (\beta_5 * LEV\ it) + (\beta_6 * ROA\ it) + \varepsilon it$$

در این مدل متغیر εit جزء ناشناخته (خطا) می‌باشد.

در این تحقیق نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات مقیاس جایگزین، برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی استفاده می‌شود، در این صورت مدل فوق به مدل‌های زیر تبدیل می‌گردد.

$$ETRit = \beta_0 + (\beta_1 * Indep\ it) + (\beta_2 * Dceo\ it) + (\beta_3 * Inownit) + (\beta_4 * Sizeit) + (\beta_5 * LEV\ it) + (\beta_6 * ROA\ it) + \varepsilon it$$

$$CashETRit = \beta_0 + (\beta_1 * Indep\ it) + (\beta_2 * Dceo\ it) + (\beta_3 * Inownit) + (\beta_4 * Sizeit) + (\beta_5 * LEV\ it) + (\beta_6 * ROA\ it) + \varepsilon it$$

$$BTDit = \beta_0 + (\beta_1 * Indep\ it) + (\beta_2 * Dceo\ it) + (\beta_3 * Inownit) + (\beta_4 * Sizeit) + (\beta_5 * LEV\ it) + (\beta_6 * ROA\ it) + \varepsilon it$$

در این مدلها متغیر εit جزء ناشناخته (خطا) می‌باشد.

□ یافته‌های تحقیق

نتایج آمار توصیفی

جدول شماره (۱) آمار توصیفی محاسبه شده شامل میانگین، میانه، انحراف معیار متغیرهای مستقل و وابسته را نشان می‌دهد.

17- Gupta and Newbery(1997)

18- Rego(2003)

19- Wilson(2003)

جدول شماره (۱) - نتایج آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	نماد	میانگین	میان	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
نرخ مؤثر مالیات	ETR	۰/۱۳۳۲۶۴	۰/۱۵۸۹۰۴	۰/۰۸۷۵۳۵	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۳۹۱۴۶۲
نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی	CashETR	۰/۲۱۴۲۶۷	۰/۱۴۷۱۳۲	۰/۵۰۲۴۸۵	-۳/۷۴۳۲۶۸	۶/۰۰۰۰۰۰
تفاوت دفتری مالیات	BTD	-۰/۰۰۸۷۰۹	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۳۵۹۲۵۴	-۵/۵۲۷۸۴۴	۰/۵۹۲۳۴۲
درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره	Indept	۰/۶۲۰۶۸۴	۶/۰۰۰۰۰۰	۰/۲۰۰۶۳۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰
دوگانگی وظایف مدیرعامل	Dceo	۰/۰۱۷۹۲۸	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۱۳۲۸۲۳	۰/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰
درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی	Inown	۰/۷۲۳۷۸۶	۰/۷۵۳۲۳۵	۰/۱۸۳۶۵۳	۰/۰۴۱۸۰۰	۱/۰۲۲۷۱۳
اندازه شرکت	SIZE	۵/۵۶۲۸۱۲	۵/۵۷۶۶۲۱	۰/۲۶۲۴۹۵	۴/۹۲۳۴۸۲	۶/۲۰۵۴۷۶
اهرم مالی	LEV	۰/۶۴۹۳۴۴	۶/۶۲۸۴۱۷	۰/۳۱۸۴۴۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۵/۰۰۰۰۰۰
سود آوری شرکت	ROA	۰/۱۸۳۲۰۰	۰/۱۱۳۳۴۵	۰/۶۰۲۹۵۵	-۰/۰۰۴۷۲۹	۱۲/۰۰۰۰۰۰

جدول فوق نشان می‌دهد ۶۲٪ اعضای هیات مدیره را افراد غیرموظف تشکیل می‌دهد. همچنین ۶۴٪ دارایی‌های شرکت‌های مورد بررسی از محل بدهی‌ها تأمین مالی شده‌اند و متوسط سودآوری شرکت ۱۸٪ می‌باشد. متغیر اندازه شرکت بر مبنای لگاریتم طبیعی می‌باشد.

□ نتایج حاصل از آزمون‌های آماری فرضیه‌های تحقیق

تعیین روش برآورد مدل‌های تحقیق

با توجه به روش مدل سازی داده‌های تلفیقی، ابتدا باید از آزمون F لیمر مشخص نمود که کدامیک از فروض یکسان بودن عرض از مبداها یا متفاوت بودن آن برای مقاطع مختلف، اعمال گردد. در این آزمون در هر سه مدل مقدار آماره F محاسباتی از مقدار بحرانی F جدول، بزرگ‌تر است در نتیجه فرضیه صفر یکسان بودن عرض از مبداها رد شده و H۱ متفاوت بودن عرض از مبداها برای مقاطع مختلف پذیرفته می‌شود.

جدول شماره ۲ - نتایج آزمون F لیمر برای مدل‌های تحقیق

مدل	آماره F	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مدل فرضیه اول	۴/۲۱	۱۰۰،۳۹۸	۰/۰۱۰	رد H۰
مدل فرضیه دوم	۴/۳۹	۱۰۰،۳۹۸	۰/۰۰۰	رد H۰
مدل فرضیه سوم	۳/۴۱	۱۰۰،۳۹۸	۰/۰۱۲	رد H۰

پس از مشخص شدن عرض از مبدأ برای مقاطع مختلف باید روش مورد استفاده در برآورد مدل (اثرات ثابت و تصادفی) تعیین گردد، بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده شده است. در این آزمون فرضیه H_0 (اثرات تصادفی) با توجه به سطح معناداری بدست آمده رد شده و در نتیجه روش اثرات ثابت پذیرفته می‌شود.

جدول شماره ۳- نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت و اثرات تصادفی

مدل	آماره χ^2	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه	روش تأیید شده
مدل فرضیه اول	۱۸/۰۴۱	۶	۰/۰۰۷	رد H_0	اثرات ثابت
مدل فرضیه دوم	۱۳/۵۴۱	۶	۰/۰۱۹	رد H_0	اثرات ثابت
مدل فرضیه سوم	۱۵/۶۶۹	۶	۰/۰۱۱	رد H_0	اثرات ثابت

جدول شماره ۴- نتایج آزمون فرضیه‌های اول تا سوم

$ETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 Indep_{it} + \beta_2 Dceo_{it} + \beta_3 Inown_{it} + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$					
متغیر	علامت اختصاری	ضریب متغیر	آماره t	سطح معناداری	
مقدار ثابت	C	۰/۰۳۶۰	۱۱/۰۰۳	۰/۰۰۰۰	
درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره	INDEPT	۰/۰۰۱۹	۰/۴۱۵۶	۰/۰۰۰۰	
دوگانگی وظایف مدیرعامل	DCEO	-۰/۰۰۰۳۳	-۰/۶۰۵۶	۰/۵۴۵۲	
درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی	INOWN	-۰/۰۰۲۹	۱۰/۸۵۷۰	۰/۰۰۰۰	
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۰۰۲۷	-۳/۴۵۷۳	۰/۰۰۰۶	
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۰۰۵۴	-۰/۸۷۳۵	۰/۳۸۳۱	
بازده دارایی‌ها	ROA	-۲/۹۵	-۱/۳۰۸۳	۰/۱۹۱۸	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۴۹	آماره F	۶/۵۶۸۱	
آماره دوربین واتسون	۲/۰۵۸		سطح معناداری کل مدل	۰,۰۰۰۰۰۰	

مقایسه مقدار آماره F (۶/۵۶۸۱) در نگاره بالا با F جدول نشان دهنده معناداری کلی مدل رگرسیونی برآزش شده در سطح اطمینان ۹۵٪ است. ضمن اینکه مقدار احتمال مربوط نیز خود دلیلی بر این مدعاست ($\text{Prob}(F\text{-statistic}) > ۰,۰۵$). با توجه به ضریب تعیین مدل برآزش شده می‌توان ادعا نمود، حدود ۴۹ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (نرخ مؤثر مالیات (ETR))، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. مقدار محاسبه شده آماره DW-دوربین-واتسون در این مدل برابر با ۲/۰۵۸ می‌باشد که با توجه به نزدیک بودن آن به عدد ۲ می‌توان دریافت که این

آماره در ناحیه عدم وجود خودهمبستگی قرار دارد و مدل دچار مشکل خود همبستگی میان جملات پسماند نیست.

نتیجه آزمون فرضیه اول: بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ موثر مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

همانطور که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود آماره t محاسبه شده برای ضریب متغیر مستقل تحقیق (INDEPT)، برابر با $4/4156$ بوده که بیشتر از t جدول یعنی $9/96$ است (ناحیه رد H_0 یا ناحیه بحرانی). همچنین کوچکتر بودن مقدار احتمال (Prob.) ضریب برآوردی متغیر مستقل از $0/05$ (سطح خطا) نیز خود دلیل دیگری بر ارتباط مثبت و معنادار بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ مؤثر مالیات می‌باشد. نتایج بدست آمده با نتایج تحقیق لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) مبنی بر رابطه مثبت و معنادار بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ مؤثر هزینه مالیات همخوانی دارد و با نتایج پژوهش مینیک و نوگا (۲۰۱۰) همخوانی ندارد. همچنین خانی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود مبنی بر رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی به رابطه معکوس و معنادار بین تخصص مالیاتی حسابرس و نرخ مؤثر مالیات دست یافتند.

نتیجه آزمون فرضیه دوم بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و نرخ مؤثر هزینه مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود ندارد. نتیجه آزمون فرضیه دوم در جدول شماره (۴) نمایش داده شده است.

ضریب برآوردی متغیر مستقل تحقیق در این فرضیه بیانگر وجود رابطه منفی میان دوگانگی وظایف مدیرعامل و متغیر وابسته تحقیق (ETR) است. اما با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده آماره t یعنی $0/6056$ در ناحیه پذیرش H_0 قرار گرفته و مقدار احتمال مربوط به آن یعنی $0/5452$ بیشتر از $0/05$ است می‌توان دریافت که این رابطه از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و نرخ مؤثر مالیات در سطح اطمینان 95% رابطه معناداری وجود ندارد. مینیک و نوگا (۲۰۱۰) در تحقیق خود مبنی بر اثرات ویژگیهای اصول راهبری شرکت بر مدیریت مالیات به رابطه مثبت و معنادار بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و نرخ مؤثر مالیات دست یافتند. خانی و دیگران (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود به نام رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی به رابطه منفی و معنادار بین تخصص مالی حسابرس و نرخ مؤثر هزینه مالیات دست یافتند.

نتیجه آزمون فرضیه سوم: بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نرخ مؤثر مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

بر مبنای اطلاعات جدول شماره (۴) می‌توان دریافت که که آماره محاسبه شده t ($10/587$) در ناحیه رد H_0 قرار گرفته و مقدار احتمال مربوط به آن ($0/000$) کمتر از سطح خطا ($0/05$) می‌باشد که نشان دهنده ارتباط مثبت و معنادار بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نرخ مؤثر مالیات می‌باشد. خانی و دیگران (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود به نام رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی به رابطه معکوس و معنادار بین تخصص کلی حسابرس و نرخ مؤثر مالیات دست یافتند

جدول شماره ۵- نتایج آزمون فرضیه‌های چهارم تا ششم

$CashETR_{it} = \beta_0 + (\beta_1 * INDEPT_{it}) + (\beta_2 * DCEO_{it}) + (\beta_3 * INOWN_{it}) + (\beta_4 * SIZE_{it}) + (\beta_5 * LEV_{it}) + (\beta_6 * ROA_{it}) + \varepsilon_{it}$				
متغیر	علامت اختصاری	ضریب متغیر	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	C	-۲۳/۲۵۳۹	-۴/۲۵۵۵	۰/۰۰۰۰
درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره	INDEPT	۱/۷۱۲۰	۲/۵۴۰۰	۰/۰۱۱۶
دوگانگی وظایف مدیرعامل	DCEO	-۰/۴۵۸۴	-۱/۹۱۵۲	۰/۰۵۶۴
درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی	INOWN	۲/۴۲۷۲	۵/۲۴۸۱	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۱۲۳۷	-۰/۹۲۶۹	۰/۳۵۴۷
اهرم مالی	LEV	-۰/۵۴۸۳	-۰/۸۱۴۲	۰/۴۱۶۱
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۲۵۲	-۰/۸۳۴۵	۰/۴۰۴۶
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۷	آماره F	۱۰/۷۷۷۶	
آماره دوربین واتسون	۱/۹۷۵۰	سطح معناداری کل مدل	۰/۰۰۰۰۰۰	

نتیجه آزمون فرضیه چهارم: بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنا داری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل INDEPT در نگاره بالا نشان دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار میان درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی در سطح خطای ۰/۰۵ است. زیرا آماره t محاسبه شده برای ضریب متغیر مستقل تحقیق، برابر با ۲/۵۴۰ بوده که بیشتر از t جدول یعنی ۱/۹۶ است (ناحیه رد H_0 یا ناحیه بحرانی). خانی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با نام رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی بین تخصص مالیاتی حسابرس و نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی رابطه معناداری دست نیافتند.

نتیجه آزمون فرضیه پنجم: بین دوگانگی وظایف مدیر عامل و نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به جدول بالا مقدار محاسبه شده آماره t برای ضریب متغیر مستقل تحقیق (DCEO)، یعنی ۱/۹۱۵ در ناحیه پذیرش H_0 قرار گرفته و مقدار احتمال مربوط به آن یعنی ۰/۰۵۶۴ بیشتر از ۰/۰۵ است و این رابطه از نظر آماری معنادار نمی‌باشد. خانی و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با نام رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی، رابطه منفی و معناداری بین تخصص مالی حسابرس و نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی مشاهده نمودند.

نتیجه آزمون فرضیه ششم: بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

مقدار احتمال (Prob)، ضریب برآوردی متغیر مستقل کوچکتر از ۰/۰۵ (سطح خطا) می‌باشد که نشان می‌دهد بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. خانی و

دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با نام رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی، رابطه معنادار و معکوس بین تخصص کلی حسابرس و نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی مشاهده نمودند.

جدول شماره ۶- نتایج آزمون فرضیه‌های هفتم تا نهم

$BTD_{it} = \beta_0 + (\beta_1 * Indep_{it}) + (\beta_2 * Dceo_{it}) + (\beta_3 * Inown_{it}) + (\beta_4 * Size_{it}) + (\beta_5 * LEV_{it}) + (\beta_6 * ROA_{it}) + \varepsilon_{it}$				
متغیر	علامت اختصاری	ضریب متغیر	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	C	-۰/۰۱۰۸	-۲/۵۹۷۱	۰/۰۰۹۹
درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره	INDEPT	-۰/۰۰۲۸	-۵/۶۱۵۸	۰/۰۰۰۰
دوگانگی وظایف مدیرعامل	DCEO	۰/۰۰۰۱۱	۰/۴۴۹۶	۰/۶۵۳۳
درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی	INOWN	-۰/۰۰۱۱	-۳/۲۷۵۴	۰/۰۰۱۲
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۰۴۱	۳/۶۷۷۵	۰/۰۰۰۳
اهرم مالی	LEV	۰/۰۰۰۵۱	۰/۹۲۶۱	۰/۳۵۵۱
بازده دارایی‌ها	ROA	۲/۹۱	۱/۲۳۶۷	۰/۲۱۷۲
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۳	آماره F	۱۳/۹۴۰۲
آماره دوربین واتسون	۲/۱۶۳۷	سطح معناداری کل مدل		۰/۰۰۰۰۰۰

نتیجه آزمون فرضیه هفتم بین درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره و تفاوت دفتری مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

در جدول شماره (۶) نتایج آزمون فرضیه هفتم ارائه شده است ضریب برآوردی متغیر مستقل INDEPT در نگاه بالا نشان دهنده وجود رابطه منفی و معنادار میان درصد اعضاء غیرموظف هیات مدیره با تفاوت دفتری مالیات در سطح خطای ۰/۰۵ است. زیرا آماره t محاسبه شده برای ضریب متغیر مستقل تحقیق (INDEPT)، برابر ۵/۶۱۵ بوده که بیشتر از t جدول یعنی ۱/۹۶ است (ناحیه رد H_0 یا ناحیه بحرانی). همچنین کوچکتر بودن مقدار احتمال ضریب برآوردی متغیر مستقل (Prob.=۰,۰۰۰۰) از ۰/۰۵ (سطح خطا) نیز خود دلیل دیگری برای رد فرضیه H_0 و پذیرش معنادار بودن ضریب برآوردی متغیر مستقل (یعنی H_1) می‌باشد. خانی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود مبنی بر رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی به رابطه مثبت و معنادار بین تخصص مالیاتی حسابرس و تفاوت دفتری مالیات دست یافتند.

نتیجه آزمون فرضیه هشتم: تحقیق بیان می‌دارد که: بین دوگانگی وظایف مدیرعامل و تفاوت دفتری مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود ندارد. با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده آماره t یعنی ۰/۴۴۹۶ در ناحیه پذیرش H_0 قرار گرفته و مقدار احتمال مربوط به آن یعنی ۰/۶۵۳۳ بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین بین دوگانگی وظایف مدیر

عامل و تفاوت دفتری مالیات در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود ندارد. خانی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود مبنی بر رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی به رابطه مثبت و معنادار بین تخصص مالی حسابرس و تفاوت دفتری مالیات دست یافتند. نتیجه آزمون فرضیه نهم: بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و تفاوت دفتری مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد. بر مبنای اطلاعات جدول شماره (۶) می‌توان دریافت که بین متغیر درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با تفاوت دفتری مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. معنادار بودن این رابطه به این علت است که آماره t محاسبه شده برای ضریب متغیر مستقل تحقیق (INOWN)، برابر $3/2754$ بوده و در ناحیه رد H_0 قرار گرفته همچنین کوچکتر بودن مقدار احتمال ضریب برآوردی متغیر مستقل (Prob) از $0/05$ (سطح خطا) نیز خود دلیل دیگری می‌باشد. خانی و دیگران (۱۳۹۲) در تحقیق خود به نام رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنادار بین تخصص کلی حسابرس و تفاوت دفتری مالیات مشاهده نمودند.

□ نتیجه گیری و پیشنهادات

۱- نتایج حاصل از تحقیق وجود رابطه معنادار بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی را با اجتناب مالیاتی مورد تأیید قرار می‌دهد. نتایج بدست آمده از فرضیات تحقیق نشان می‌دهد بین درصد اعضاء غیر موظف هیات مدیره و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با نرخ مؤثر هزینه مالیات و نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین درصد اعضاء غیر موظف هیات مدیره و درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی با تفاوت دفتری مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بعبارت دیگر هرچه ترکیب اعضای هیات مدیره از اعضای مستقل تری تشکیل شود در ایفای نقش نظارتی خود مؤثرتر عمل نموده و سطح اجتناب مالیاتی شرکت کاهش می‌یابد. همچنین سرمایه گذاران نهادی، یک گروه از نظارت کنندگان خارجی به شمار می‌روند که نقش مهم در فرایند نظارت و نظام دهی به فعالیت مدیران ایفا می‌کنند. سرمایه گذاران نهادی از طریق سهام عمده‌ای که در اختیار دارند و حق رأی ناشی از آن، مدیران را مجبور می‌کند تا از رفتارهای مغایر منافع شرکت اجتناب کنند و از انجام اقداماتی که بر اعتبار شرکت اثرات منفی داشته باشد جلوگیری می‌نمایند.

۲- کلیه فرضیه‌های مربوط به متغیر مستقل دوگانگی وظایف مدیرعامل، عدم وجود رابطه معنادار با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات را نشان می‌دهد، به عبارت دیگر در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دوگانگی وظایف مدیرعامل تأثیری بر سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ندارد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد برای کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تمرکز در این زمینه از حاکمیت شرکتی برداشته و جنبه‌های دیگر حاکمیت شرکتی مد نظر قرار گیرد.

۳- نتایج این تحقیق نشان می‌دهد با برقراری مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت‌ها اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد و حقوق دولت به عنوان یکی از گروه‌های ذی نفع توجه می‌شود

و تعهدات مالیاتی برآورده می‌گردد، بنابراین می‌توان با ایجاد حاکمیت شرکتی مناسب با تشویق و حتی الزام کردن کاربرد مکانیزم‌های آن بوسیله بورس اوراق بهادار، نسبت به وصول درآمدهای مالیاتی که از منابع مهم درآمدی کشور محسوب می‌گردد اقدام نمود.

۴- با عنایت به این که اجتناب مالیاتی اثرات منفی بر اعتبار شرکت داشته و منجر به افزایش خطرات آتی در زمینه بدهی‌های مالیاتی و جرائم مرتبط با آن‌ها می‌شود، لذا پیشنهاد می‌گردد سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌های خود نتایج این تحقیق را مد نظر قرار دهند و به ارزیابی مخاطرات مالی و اعتبار شرکت در ارتباط با هر نوع استراتژی برقرار شده مالیاتی بپردازند. ۵- اظهارنامه مالیاتی تکمیل شده توسط شرکت بصورت عمومی در دسترس همگان قرار بگیرد. اگر پرداخت کنندگان مالیاتی بدانند که اطلاعات مالیاتی آنها عمومی شده و در دسترس همگان قرار می‌گیرد، انگیزه کمتری برای دست زدن به معاملاتی پیدا می‌کنند که باعث کاهش بدهی مالیاتی آنها شود.

□ پیشنهادات برای تحقیقات آتی:

۱- این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داده است، لذا برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود که موضوع را در صنعت خاص مورد بررسی قرار دهند. ۲- در تحقیق حاضر ارتباط سه جنبه از حاکمیت شرکتی شامل درصد اعضاء غیر موظف هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل و درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت بعنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفت. لذا پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات بعدی تأثیر جنبه‌های دیگر حاکمیت شرکتی از جمله اندازه شرکت، اندازه حسابرس، نفوذ مدیر عامل و... در شرکتها، صنایع تولیدی و... بر اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار گیرد. ۳- حساب ذخیره مالیات یکی از حسابهای مندرج زیر سرفصل بدهیهای جاری در ترازنامه است که هر سال بر اساس معیارهای مورد نظر مدیریت برآورد می‌گردد بنابراین پیشنهاد می‌گردد شناسایی عواملی که باعث برآورد دقیق حساب ذخیره مالیات می‌گردد مورد بررسی قرار گیرد.

□ منابع فارسی:

- ۱- باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. (۱۳۸۹). «رابطه اصول راهبری شرکتها و سود مشمول مالیات شرکتها»، پژوهش‌های حسابداری مالی، سال دوم، شماره سوم ص ۶۵-۸۶
- ۲- پورحیدری، امید و برهانی‌نژاد، سعید. (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر خصوصیات اصول راهبری شرکتها بر مدیریت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، دانش حسابرسي، شماره ۴۹، زمستان ۹۱، ص ۸۵-۹۶
- ۳- پورحیدری، امید و امیر سروسناني. (۱۳۹۲). «شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات»، دانش حسابرسي، شماره ۱۲، بهار ۹۲، ص ۸۹-۱۱۰
- ۴- خانی، عبدالله و همکاران. (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب

مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، دانش حسابرسی، شماره ۵۱، تابستان ۹۲. ص ۶۱-۸۶

۵- خدای پور، احمد و همکاران. (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پژوهشنامه مالیات، شماره هفدهم، بهار ۹۲.

۶- حساس یگانه، یحیی و گل محمدی، شورکی. (۱۳۹۰). «رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی‌های شرکت»، پژوهشنامه مالیات، شماره دوازدهم، زمستان ۹۰.

۷- جم، فرهاد. (۱۳۷۹). «رفتار حرفه‌ای مشاوران مالیاتی: اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی»، مجله حسابرسی، ۶: ۴۱-۴۳

۸- موسوی جهرمی، یگانه و همکاران. (۱۳۸۸). «فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک مدل نظری»، فصلنامه مالیات، شماره پنجم، تابستان ۸۸.

□ منابع لاتین:

1. Allingham, Michael G. and A. Sandmo. (1972). income tax evasion: A theoretical analysis. Journal of public and economics, 1: (323-338)
2. Desai, M., Dyck, I., Zingales, (2007). Theft and taxes journal of Financial Economics. 84: 591-623
3. Desai, M., Dharmapala, D., (2008). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. J. Fin. Econ. 79, 145-179- Economics, 77, 375-410-
4. Dyreng, S., Hanlon, M., Maydew, E., (2008). Long-run corporate tax avoidance. ACCTNG. Rev. 83 6182-
5. Frese, A., M. Hanlon, and E. Maydew. (2008). Long-run Corporate tax avoidance. the accounting review. 83(1): 6182-
6. Gleason, C., and L. Mills (2011). Do auditor-provided tax services improve the estimate of tax expense? contemporary accounting research, 28(5): 1484-1509-
7. Gupta, S., and K. Nuwberry (1997). Determinants of the variability in corporate effective tax rates: Evidence from longitudinal study. Journal of accounting and public policy, 16(1): 134-
8. Graham, J., Tucker, A. (2006). Tax shelters and corporate debt policy Journal of financial economics, 81: 563-594-
9. Hanlon, M., and S. Heitzman. (2010). A review of tax research Journal of accounting and economics, 50(2): 178-127: (3-
10. Hogan, B., and T. Noga. (2010). The association between changes in auditor-provided tax services and Corporate tax avoidance working paper northeastern university and Bentley university

11. Jensen., M., Meckling., W. (1976). Theory of the firm: managerial behavior., agency costs and ownership structure journal of financial Economics., 3:305360-
12. Lanis, R..., Richardson (2011). Corporate social responsibility and tax aggressiveness: an: empirica analysis J. Account. Public policy.
13. Lanis, R..., Richardson (2011). The effect of board of director composition on Corporate tax aggressiveness., Journal of accounting and public policy, vol 30., pp 5070-.
14. Maccuire., sean T., Thomas c. omer and Dechun Wang. (2012). tax avoidance: Does tax-specific industry expertise Make a difference? The accounting review, 87 (3).
15. Mills, Lillian F. and Nuwberry., kayel j.. (1998). The influence of tax and Nontax costs on books tax reporting differences.
16. Rego., s. (2003). tax avoidance activities of u.s. multinational corporations contemporary accounting research, 20(4):805833-
17. Satori, Nicolas. (2008). effects of strategic tax behaviors on corporate governance. university of Michigan
18. zeng., Tao. (2010) "Income tax liability for large corporations in china: 19982007-, Asian review of, 18, 3, 180196-